

Research Article

A Jurisprudential Subject Study of Tomorrow's Contracts¹

Fereshteh Zeinali²

Ahmad Moradkhani³

Alireza Asgari⁴

Received: 27/03/2023

Accepted: 24/10/2023



Abstract

Futures contracts (in the form of gold and currency) have provided a modern tool for production and profit-making for traders, becoming a crucial foundation in financial markets. However, the legal and Sharia rulings regarding these transactions have been ambiguous, with some cases falling under fraudulent practices or the acquisition of unlawful wealth. The legal-fiqhi analysis of this subject has lacked a comprehensive background, and no solutions have been proposed to overcome the Sharia obstacles. The innovation of this paper lies in its descriptive-analytical approach, which examines and critiques evidence, determines the legal and Fiqhi position of these transactions, and strengthens the arguments

1. This article is taken from a doctoral thesis entitled: "A Fresh Perspective on Futures Contracts: A Legal-Fiqhi Approach to Futures Trading in Gold and Currency and Trading with Floating Exchanges" (Supervisor: Dr. Ahmad Moradkhani).

2. Ph.D. student, Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. Email: fzmohaqq@gmail.com. ORCID: 0009-0003-7169-2382

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir. ORCID: 0000-0002-8322-6130

4. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. Email: alireza.asgari88@gmail.com. ORCID: 0009-0007-2581-8211

* Zeinali, F., Moradkhani, A., & Asgari, A. (1402). A Jurisprudential Subject Study of Tomorrow's Contracts. Journal of *Fiqh*, 30(115), pp. 161-188. <https://doi.org/10.22081/jf.2023.65832.2613>

● © Author (s).

against their gambling nature, speculation, and illegality. Additionally, the paper emphasizes the requirement for the validity of these contracts, which is the presence of genuine and serious intention in the transaction, along with its occurrence in the form of a peace agreement and the genuine intent of both parties in the negotiation. Another objective of this article is to propose a guarantee mechanism for the criminal and legal enforcement of exiting such transactions from the domain of Sharia and law.

Keywords

Futures trading, futures contracts, subject matter of contracts, speculative transactions.

مقاله پژوهشی

موضوع‌شناسی فقهی حقوقی عقود فردایی^۱

فرشته زینلی^۲ احمد مرادخانی^۳ علیرضا عسگری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

چکیده

عقود فردایی (در قالب طلا و ارز)، ابزار نوینی برای تولید و کسب سود برای معامله‌گران را فراهم آورده و به یک پایه مهم بازارهای معاملاتی تبدیل شده است، ولی حکم شرعی و قانونی این معاملات ابهام داشته، در مواردی مشمول کلاهبرداری و یا تحصیل مال نامشروع می‌شود. تحلیل فقهی - حقوقی این موضوع پیشینه‌جامعی نداشته و راهکاری برای رفع موانع شرعی آن ارائه نشده است. نوآوری مقاله حاضر که با روش توصیفی تحلیلی گردآوری شده، تحلیل، نقد و بررسی ادله و تعیین جایگاه فقهی و قانونی این معاملات بوده و قمار، غرری و غیرقانونی بودن این معاملات را تقویت کرده است. افزون بر آن شرط صحت این معاملات را وجود قصد واقعی و جدی در معامله و وقوع آن در قالب عقد صلح و قصد جدی دوطرف در مصالحه می‌داند. طرح ضمانت اجرای کیفری و حقوقی خروج این معاملات از دایره شرع و قانون از دیگر اهداف این مقاله است.

کلیدواژه‌ها

معامله آتی، عقود فردایی، موضوع‌شناسی عقود، معاملات غرری.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان: «نگرشی نو بر عقود فردایی؛ با رویکردی فقهی - حقوقی بر معاملات آتی در قالب ارز و طلا و معامله با عوضین شناور (استاد راهنما: دکتر احمد مرادخانی، استاد مشاور: علیرضا عسگری) می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
fzmohaqq@gmail.com. ORCID: 0009-0003-7169-2382

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir. ORCID: 0000-0002-8322-6130

۴. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
alireza.asgari88@gmail.com. ORCID: 0009-0007-2581-8211

* **استناد به این مقاله:** زینلی، فرشته؛ مرادخانی، احمد و عسگری، علیرضا. (۱۴۰۲). موضوع‌شناسی فقهی حقوقی عقود فردایی. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۳۰(۱۱۵)، صص ۱۶۱-۱۸۸. <https://doi.org/10.22081/jf.2023.65832.2613>

© Author (s)



۱۶۱

فقه

موضوع‌شناسی فقهی حقوقی عقود فردایی

مقدمه

معاملات آتی^۱ با سرمایه پایین و سود بالا، هدف فعالیت افراد زیادی شده است. ماهیت آنچه که در قراردادها مورد معامله قرار می‌گیرد، باعث تقسیم این معاملات به کالاهای فیزیکی و سهام و شاخص شده است. رایج‌ترین کالاهای این معامله در جهان، سکه، طلا، نفت خام، شمش طلا، فلزات، زعفران و ... است. معاملات آتی سهام و شاخص نیز بر مواردی همچون سهام، ارز، اوراق قرضه و ... تمرکز دارند.

از آنجا که در نظام پولی و بانکی ایران، معاملات آتی ارز غیرقانونی است، در سال‌های اخیر بازاری غیررسمی در اقتصاد کشور با عنوان معاملات فردایی تشکیل شده است. هرچند نوعی از این معاملات به نام سلف، از قرن‌ها پیش در ایران و دیگر سرزمین‌های اسلامی رواج داشته، به شکل فعلی، پیشینه طولانی ندارد. قرارداد آتی کالای فیزیکی با معامله سکه تمام بهار آزادی آغاز شد و قراردادهای آتی سهام، از سال ۱۳۹۷ مورد استفاده قرار گرفت. هرچند ممکن است وجود این‌گونه معاملات برای بازارهای پولی و مالی کشور لازم باشد، با چالش‌های فقهی - حقوقی (قمار و غرر)، روبه‌رو بوده و درخصوص رفع این چالش‌ها، راهکار جامعی ارائه نشده است.

این مقاله برای گردآوری مطالب به روش کتابخانه‌ای توجه کرده و با مشاهده و فیش‌برداری از منابع فقهی حقوقی، بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های رایانه‌ای به توصیف و تحلیل جایگاه این معاملات در منابع اسلامی و حقوق ایران پرداخته است. درخصوص مشروعیت بخشی به معاملات یادشده و ضمانت اجرای حقوقی و کیفری خروج این معاملات از حدود شرعی و قانونی نیز پیشنهادهای ارائه شده است.

۱. پیشینه و نوآوری

رفع ابهام و اختلاف در خصوص ماهیت معاملات فردایی، نیاز به تحقیق و بررسی

1. Futures contracts.

ادله موافقان و مخالفان مشروعیت این نوع معاملات دارد. تمام پژوهش‌های انجام‌شده در این خصوص، به ارائه دیدگاه‌های موجود در این خصوص محدود بوده و بدون نقد و تحلیل، گردآوری شده است و منبع جامعی در این خصوص وجود ندارد. تنها تحقیق تفصیلی، مقاله «آسیب‌شناسی معاملات فردایی ارز و طراحی ابزارهای جایگزین در چارچوب اسلامی» از پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی است که فاقد تحلیل تفصیلی در خصوص مبانی فقهی و حقوقی این معاملات است. نوآوری مقاله حاضر، تحلیل، نقد و بررسی ادله فقهی - حقوقی و رفع چالش‌های موجود (قمار و غرر) و تعیین جایگاه فقهی و قانونی این معاملات است و با توجه به دیدگاه‌ها و ادله فقهی حقوقی، قمار، غرری و غیرقانونی بودن این معاملات را تقویت کرده و شرط صحت این معاملات را وجود قصد واقعی و جدی در معامله و وقوع آن در قالب عقد صلح و قصد جدی دوطرف در مصالحه می‌داند.

۱۶۳
فقه

موضوع‌شناسی فقهی حقوقی عقود فردایی

۲. جایگاه فقهی و قانونی معاملات کاغذی و فردایی طلا و ارز

عقود فردایی در دنیای کنونی تنوع زیادی داشته و در قالب‌های مختلفی مانند معاملات کاغذی و فردایی طلا و ارز انجام می‌شود. جهت تبیین جایگاه فقهی و قانونی این معاملات، نخست باید به تبیین لغوی و اصطلاحی آنها پرداخته شود و سپس ادله تحلیل شوند.

۱-۲. معاملات کاغذی^۱

امروزه در بازار ارز، سکه و طلا معاملاتی انجام می‌شود که بین خریدار و فروشنده، ثمن و مبیعی منتقل نشده و تمام توافقات و معامله روی کاغذ انجام می‌شود. این

1. Paper Trading.

معاملات اقسامی از قبیل امروزی،^۱ فردایی،^۲ شنبه‌ای،^۳ شنا،^۴ معکوس،^۵ اصطلاح اجاره و بلوکه^۶ دارد.

۲-۲. معاملات فردایی (آتی)

آتی در لغت به معنای مستقبل و آینده آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۲). معاملات فردایی، توافق دوطرف برای انجام معامله در تاریخ مشخصی در آینده است که مقدار کالا و قیمت آن نیز مشخص می‌شود (سرآبادانی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۱). و مبادله مواردی از قبیل طلا، نقره، ارز و... به روز یا روزهای آینده موکول شده و به طور عمده توسط اشخاص حقیقی انجام می‌شود و اغلب موارد به تحویل فیزیکی ارز منجر نمی‌شود و تنها تفاوت قیمت تسویه می‌شود. طبق تعریف پژوهشکده پولی و بانکی کشور، معاملات ارزی فردایی، مبادلاتی است که در آن ذی‌نفعان بازار ارز در پایان یک روز معاملاتی، در رابطه با قیمت ارز در روز آینده با یکدیگر وارد معامله می‌شوند و براساس پیش‌بینی‌هایی که از نرخ ارز در روز آینده دارند، تعهدات دوطرف را به عهده گرفته و تلاش می‌کنند با پیش‌بینی صحیح، به سود مرتبط دست پیدا کنند و زیان ناشی از پیش‌بینی ناصحیح خود را نیز می‌پردازند. طبق اعلام اتحادیه طلا و جواهر تهران، در معاملات فردایی غیرفیزیکی طلا و سکه، هیچ‌گونه طلا و سکه فیزیکی مبادله نمی‌شود.

۱. مثلاً از ساعت ۱۰ صبح به صورت کاغذی آغاز می‌شود تا راس ساعت ۱۴ تسویه امروزی انجام می‌شود.
۲. تفصیل این معامله، خواهد آمد.
۳. مختص بازار طلای آب‌شده است.
۴. زمان سررسید مشخصی دارد و اختیار آن با خریدار است و می‌تواند در این مدت هر زمان خواست اجرای قرارداد را بخواهد.
۵. برعکس معاملات شنا، در اختیار فروشنده است.
۶. در هر سه بازار (طلای آب‌شده، سکه و ارز) بلوکه وجود دارد. اصطلاح بلوکه و اجاره برابر تفاوت قیمت کالای امروز با فردایی است.

۲-۳. چگونگی معاملات فردایی ارز و طلا

در این معامله، مجموعه‌ای از افراد دارای اعتبار، یک گروه تشکیل می‌دهند و یک نفر به عنوان سرگروه تعیین می‌شود تا برای بالابردن تضمین معاملات و پرداخت غرامت در صورت انجام پیش‌بینی نادرست (تاوان)، متناسب با سقف فعالیت مورد تقاضای عضو، از وی چک تضمین دریافت کنند؛ برای نمونه اگر عضو، تقاضای معامله بالای یک میلیون دلار یا بالای یک خط را نماید، باید چک تضمین به مبلغ بالاتری بپردازد. جهت انجام معاملات فردایی ارز، دوطرف معامله در پایان یک روز کاری، بر اساس پیش‌بینی خود از قیمت ارز در روز آینده، با یکدیگر معامله می‌کنند و در پایان روز کاری، تسویه انجام می‌شود. هرطرفی که پیش‌بینی ناصحیح انجام دهد، باید تفاوت نرخ واقعی ارز در روز آینده و نرخ پیش‌بینی شده را به طرف مقابل بپردازد (گرامت) و در صورت امتناع، از گروه و بازار اخراج شده و اعتبارش برای انجام معاملات فردایی از میان می‌رود. در این معاملات، قرارداد مکتوبی بین دوطرف امضا نمی‌شود و توافقات، حضوری یا تلفنی است. تحویل ارز نیز موضوعیتی برای دوطرف ندارد.

پژوهشگران، معامله‌گران بازار آتی را به دو گروه تقسیم کرده‌اند: گروه نخست برای پوشش ریسک معامله می‌کنند و گروه دوم، سفته‌بازانی که از محل تغییر قیمت کسب سود می‌کنند؛ بنابراین گروه کمی از ذی‌نفعان با هدف تحویل وارد این بازار می‌شوند. از منظر اقتصادی، در این بازار هم به معامله‌گران و هم به سفته‌بازان احتیاج است و بدون وجود آنها بازار شکل نمی‌گیرد؛ چون آنها قیمت را به تعادل رسانده و باعث نقدشوندگی می‌گردند.

در معاملات فردایی طلا، خریدار و فروشنده طلا با حجم زیاد، اقدام به خرید و فروش می‌کنند؛ مثلاً با اخذ نرخ الان طلا، یک کیلو طلای خالص (کلی فی الذمه) مورد بیع قرار می‌گیرد و تسلیم تعهد به مطالبه خریدار در آتی منوط می‌شود و رسیدی کاغذی برای خریدار مبنی بر طلب بیع کلی صادر می‌شود و بار دیگر خریدار یادشده همان کاغذ حاوی تعهد بایع را مطابق نرخ عرف طلا در زمان انشای عقد دوم با مبلغی کمتر یا بیشتر به ثالث منتقل می‌کند (کارگزاری مفید، بخش آموزش).

۲-۴. ماهیت فقهی حقوقی معاملات فردایی

برای تعیین ماهیت معاملات فردایی از نظر فقهی حقوقی، دیدگاه فقیهان و حقوق‌دانان در این خصوص بررسی می‌شود.

۲-۴-۱. پیش‌درآمد

معاملات فردایی ممکن است در قالب بیع، صلح یا شرط ابتدایی و تعهد به معامله در آینده محقق شود. با توجه به تقسیم‌بندی بیع بر اساس تحویل ثمن و مثنی و کلی و معین بودن آن، می‌توان معاملات فردایی را نوعی بیع کالی به کالی دانست؛ زیرا در این نوع معاملات، ثمن و مثنی نقد نبوده و پرداخت هر دو با تعیین مدت به آینده موکول می‌شود. امروزه در روابط بازرگانی به‌ویژه روابط تجاری بین‌المللی، بیع کالی به کالی متداول است و تمام سفارشات که برای ساخت کالا به شرکت‌های مختلف داده می‌شود، بدون پرداخت ثمن و تسلیم مبیع در هنگام عقد صورت می‌گیرد. یا کالاهایی مانند نفت در مقابل برنج یا گوشت یا گندم و... در مقابل پول یا خشکبار و... قرار می‌گیرند که مال کلی هستند.

۲-۴-۲. ماهیت فقهی بیع کالی به کالی

فقیهان در خصوص حکم بیع کالی به کالی، دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ برخی به تصریح یا احتیاط، نظر به بطلان آن داده (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۲۹۲) و برخی با شرایطی آن را صحیح دانسته‌اند (گنجینه استفتانات قضایی، ۷۰۳۷). آیت‌الله جعفر سبحانی در خصوص ماهیت بیع کالی به کالی آورده است: «در روایات ما چنین وارد شده است «لایبیاع الدین بالدين» و آن سه صورت دارد: ۱. فرض کنید زید از عمرو یک خروار گندم طلب دارد و عمرو هم از بکر پنجاه من برنج طلب دارد. هرگاه زید طلب خود را از عمرو به خود او بفروشد، در مقابل پنجاه من برنجی که در ذمه بکر است، نتیجه اینکه گندم را تملیک زید کند و در مقابل برنج را تملک کند؛ ۲. هرگاه صد من گندم از زید طلب دارد و آن‌گاه گندم را به او می‌فروشد، در مقابل صد تومان که شش ماه بعد

بگیرد؛ ۳. فردی گندمی را به زید بفروشد که دارا نیست؛ در مقابل مبلغی که زید بعدها بدهد؛ یعنی هر دو مدت دار باشند؛ بطلان صورت اول قطعی و دو صورت بعدی فی الجمله محل خلاف است» (گنجینه استفتانات قضایی (نرم افزار)، ۷۰۳۷).

طبق نظر فقیهانی که بیع کالی به کالی را باطل می دانند، اگر معاملات آتی منطبق بر آن باشد، باطل است؛ مگر در قالب عقد صلح واقع شود، مشروط بر اینکه دو طرف واقعاً قصد مصالحه داشته باشند، وگرنه تغییر اسم معامله در ماهیت آن تغییری ایجاد نمی کند (معصومی نیا، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸). به نظر برخی از مراجع عظام تقلید نیز صلح کالی به کالی اشکالی ندارد (معصومی نیا، ۱۳۸۷، ص ۳۶۹ به بعد؛ ملحقات).

آنچه در فقه باطل شمرده شده با توجه به مستند حکم (لایباع الدین بالدین) بیع دین به دین است. حال سؤال این است که آیا صدق بیع دین به دین بر بیع کالی به کالی صحیح است؟ در این بیع، تعهد فروشنده و خریدار درست است. تسلیم میبکلی می تواند مانند بیع سلم یا سلف مؤجل باشد. پرداخت ثمن نیز ممکن است مانند بیع نسیه، مؤخر از تاریخ عقد بیع باشد، اما در بیع دین به دین، میبک و ثمن قبل از وقوع عقد بیع، دین بوده اند؛ بنابراین پاسخ مثبت به سؤال متوقف بر این است که حدیث «لایباع الدین بالدین» شامل مؤجل بالعقد نیز بشود.

با عنایت به دیدگاه های موجود، باید گفت بیع کالی به کالی، دین به دین نبوده و ایرادی ندارد؛ زیرا به خلاف بیع دین به دین، در بیع کالی به کالی، دین (تسلیم میبک و تأدیه ثمن) پس از انعقاد عقد ایجاد می شود.

۲-۴-۳. ماهیت حقوقی بیع کالی به کالی

در قانون مدنی ماده ای که بطلان بیع کالی به کالی را اعلام کند، وجود ندارد؛ اگرچه ماده خاصی هم به آن اختصاص نداده است. برخی حقوق دانان بیعی را که میبک و ثمن آن کلی و مدت دار باشد، صحیح می دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۲۰؛ امامی، بی نا، ص ۴۵۵) و برخی دیگر نظر مخالف دارند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۴۹۳). نویسندگان قانون مدنی از بطلان چنین بیعی در فقه، آگاه بوده اند و سکوت آنها با توجه به ماده ۱۰ ق.م و اصل

صحت معاملات و قراردادها (ماده ۲۲۳ق.م) و انعقاد چنین بیعی در جامعه، نشان می‌دهد که به بطلان این بیع نظر نداشته‌اند. طبق ماده ۳۴۱ق.م نیز ممکن است برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع یا برای تأدیه تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود. از این ماده می‌توان امکان تعیین اجل برای تسلیم ثمن و مبیع را استنباط کرد.

برخی حقوق‌دانان معتقدند با توجه به اصل اباحه، هر رابطه حقوقی منع نشده جایز است و اگر نظر قانون‌گذار، بطلان بیع کالی به کالی بود، باید به آن اشاره می‌کرد و سکوت او نشانه صحت آن است. این بیع با نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز تعارض ندارد و در روابط تجاری به‌ویژه تجارت بین‌المللی مورد نیاز بوده و استفاده زیادی از آن می‌شود. امروزه تحویل همه خریدهایی که برای رفع نیازهای صنعتی، نظامی و غذایی صورت می‌گیرد، مدت‌دار است؛ از این رو اگر خریدار ملزم شود که ثمن معامله را به صورت نقدی بپردازد، نظم معاملات و روابط تجاری به هم می‌ریزد؛ از این رو نمی‌توان با نادیده گرفتن واقعیت‌های کنونی به بطلان این بیع نظر داد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۲، صص ۲۲۲ و ۲۲۴).

۲-۵. ماهیت فقهی حقوقی معاملات کاغذی طلا

در معاملات کاغذی طلا دو نوع معامله صورت می‌گیرد:

معامله اول: شخصی یک کیلو طلا را به عنوان کلی فی‌الذمه به دیگری می‌فروشد.

این معامله چند فرض دارد:

۱. معامله نقدی و تاریخ اخذ ثمن و مثن معلوم بوده و ثمن پرداخت می‌شود، ولی مطالبه مثن منوط به درخواست مشتری باشد. در این فرض، خللی به معامله وارد نمی‌شود و معلوم‌نبودن زمان مطالبه موجب بطلان اصل معامله نمی‌شود؛ ولی دوطرف باید در حقیقت قصد معامله داشته باشند و معامله صوری نباشد، وگرنه باطل است.

۲. معامله سلف (پیش‌فروش) و تاریخ تسلیم مبیع نیز معلوم باشد، ولی تسلیم آن به مطالبه خریدار مشروط باشد. در این معامله، ثمن، نقد و مثن کلی و مدت‌دار است (اصفهان‌ی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۶۹؛ امام خمینی رحمته‌الله، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۳؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۹). با توجه به

اینکه معامله نقدین (طلا و نقره) نیست، محذوری ندارد؛ زیرا هر چند مثن (طلا) از نقدین است، ثمن آن پول رایج است و نقدین محسوب نمی‌شود. زمان تسلیم مثن نیز مجهول نیست تا با این محذور مواجه باشد. شرط تسلیم منوط به درخواست خریدار نیز خلاف شرع و قانون نیست و عمل به آن لازم است.

۳. معامله سلف (پیش‌فروش) باشد، ولی تاریخ تسلیم معلوم نبوده و همان زمان مطالبه از سوی خریدار باشد. در این فرض، مجهول‌بودن به معامله خلل وارد می‌کند و صحت معامله را خدشه‌دار می‌سازد؛ زیرا از شرایط صحت معامله سلف آن است که ثمن و مثن، طلا و نقره نباشد، و گرنه معامله باطل است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۰۴؛ حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۲۷۴؛ امام خمینی رحمته‌الله، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۴؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۰). شرط دیگر اینکه مبیع باید به لحاظ روز، ماه، سال و... دارای مدت معین و مضبوطی باشد که احتمال زیاده و نقصان در آن راه نداشته باشد (اسدی حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۸۶؛ امام خمینی رحمته‌الله، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۴؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۵۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۲۹۹؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، صص ۳۹۵ - ۳۹۶؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۰).

معامله دوم: در این معامله، خریدار همان کاغذ حاوی تعهد بایع را مطابق نرخ عرف طلا در زمان انشای عقد دوم با مبلغی کمتر یا بیشتر به ثالث منتقل می‌نماید. این صورت چند فرض دارد:

۱. معامله دوم سلم باشد و پیش از رسیدن وقت آن به دیگری فروخته شود و ثمن نیز به صورت نقد دریافت نشود. این فرض از سه جهت اشکال دارد: فرا نرسیدن زمان تحویل؛ قبض نشدن ثمن در مجلس عقد؛ کالی به کالی بودن معامله.

در مورد جهت نخست دو دیدگاه وجود دارد: مشهور فقیهان فروش چنین مبیعی را جایز نمی‌دانند؛ خواه خریدار دوم همان فروشنده نخست باشد یا شخص دیگری. حلی از فقیهان متقدم امامیه تصریح دارد که بیع مبیعی که با معامله سلفی فروخته شده، پیش از فرارسیدن اجل جایز نیست، ولی پس از آن جایز است (حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵۸). ابن زهره نیز با پذیرش این دیدگاه، آن را اجماعی می‌داند (حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۸). محقق حلی می‌نویسد: «لا يجوز بيع السلم قبل حلوله و يجوز بعده و إن لم يقبضه علی كراهية... (حلی،

۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۳۴؛ بیع میبعی که به بیع سلم معامله شده، پیش از آنکه وقت تحویلش فرا رسد جایز نیست، ولی پس از رسیدن وقت تحویل، هرچند آن را قبض نکرده باشد، جایز است؛ گرچه کراهت دارد». فاضل مقداد دلیل آن را نهی رسول خدا ﷺ از بیع سلم پس از فرارسیدن وقت زمان تسلیم می‌داند؛ افزون بر این معتقد است فقیهان امامیه در این باره اجماع دارند (سیوری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۴۵). صاحب ریاض نیز معتقد است بیع سلم پیش از فرا رسیدن وقت تسلیم جایز نیست و تفاوتی نمی‌کند که به بایع یا به شخص دیگری فروخته شود و فرق نمی‌کند که به صورت حال فروخته شود یا مدت‌دار و اختلاف نظری در این زمینه بیان نگردیده؛ به جز از برخی فقیهان متأخر که آن را مطلقاً جایز می‌دانند؛ با این استدلال که حقی مالی است و بیع آن جایز است» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۱۲۸). برخی دیگر نوشته‌اند: «اگر مشتری چیزی را با بیع سلف خریداری کند، نمی‌تواند پیش از فرارسیدن زمان تسلیم آن را به دیگری، اعم از بایع و غیربایع بفروشد. تفاوتی هم ندارد که آن را به جنس ثمن معامله اول بفروشد یا جنس ثمن آن تفاوت داشته باشد و تفاوتی ندارد ثمن معامله دوم مساوی با ثمن معامله اول باشد یا بیشتر و یا کمتر از آن» (اصفهانی، ۱۴۲۲ق، صص ۳۷۰-۳۷۱؛ امام خمینی رحمته الله علیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۵؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، صص ۷۲-۷۳).

طبق دیدگاه غیرمشهور بین فرضی که خریدار، بایع نخست باشد یا شخص دیگر، تفاوت است؛ در فرض نخست بیع را با شرایطی جایز و در فرض دوم جایز ندانسته‌اند (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۶۵؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۰۵؛ فیاض، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۲). آیت‌الله العظمی خوئی در این باره نوشته است: «إذا اشتری شیئاً سلفاً جاز بیعه من بایعه قبل حلول الأجل و بعده بجنس آخر أو بجنس الثمن بشرط عدم الزیادة ولا يجوز بیعه من غیره قبل حلول الأجل...؛ اگر مشتری چیزی را به بیع سلف خریده باشد، می‌تواند پیش و پس از فرارسیدن اجل، آن را به بایع نخستین بفروشد؛ خواه ثمن معامله دوم از جنس دیگری غیر از جنس ثمن باشد یا با جنس ثمن؛ منتهی به شرط اینکه زیادتی وجود نداشته باشد؛ ولی فروش آن به شخص دیگری غیر از بایع نخستین پیش از فرارسیدن اجل جایز نیست» (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۱). دیدگاه دیگر، جواز بیع به طور مطلق است که از ظاهر

عبارت صاحب حدائق استفاده می‌شود: «وان الأظهر في هذه المسألة هو الجواز للاخبار المتقدم ذكرها بلا كراهة بناء على ما جمعنا به بين اخبارها، وفي تلك المسألة هو التحريم لما قدمناه فيها والله العالم» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۴۵). در مورد جهت دوم نیز باید گفت طبق دیدگاه مشهور فقیهان، یکی از شرایط بیع سلم، قبض ثمن، پیش از تفرق و جدایی متعاملین است؛ وگرنه عقد باطل است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۷۰؛ حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، صص ۳۰۷ و ۳۷۱؛ امام خمینی رحمته الله علیه، بی تا، ج ۱، ص ۵۴۴؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۰). مقام معظم رهبری نیز به این شرط تصریح کرده و در پاسخ به این پرسش که این جانب آپارتمانی مسکونی را از شرکتی به طور بیع سلف خریداری کردم و مقداری از پول آن را به صورت اقساط پرداخته و رسید گرفتم و هنوز هم نسبت به باقی مانده پول آن بدهکار هستم. سپس شرکت مزبور آپارتمان مرا به بانک مسکن فروخت و مقرّر کرد که آپارتمان دیگری به قیمت امروز که معادل چهار برابر قیمت قبلی آن بود، تحویل بگیرم. حکم این مسئله چیست؟ آورده‌اند: «خرید آپارتمان مزبور به صورت قسطی از اساس باطل است؛ زیرا از شرایط صحت بیع سلف، پرداخت نقدی همه ثمن به فروشنده در همان مجلس بیع است؛ بنابراین اگر آپارتمان مزبور به صورت بیع سلف خریداری شده و همه ثمن در مجلس بیع نقد باشد، فروشنده باید آنچه را که میباید با تمامی اوصافش بر آن صادق است، به خریدار تحویل دهد و حق ندارد از او برای تحویل مصداق میباید پول بیشتری را مطالبه کند؛ همان گونه که نمی‌تواند چیزی را که مصداق میباید نیست، به او تحویل دهد و مشتری هم ملزم به قبول آن نیست؛ هرچند آن را به همان قیمت به او بدهد، چه رسد به اینکه مبلغ بیشتری را از او مطالبه نماید» (خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ص ۳۶۵). در باره جهت سوم نیز بیع کالی به کالی به معنای بیع دین به دین (طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۸۹) و یا مؤجل به مؤجل بوده (اسدی حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۲) و از نظر فقیهان باطل است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۴۵). آیت الله تبریزی نیز پس از تعریف بیع کالی به کالی، در بیان حکم آن آورده است: «اگر هر دو قبل از عقد دین باشند، بیع باطل است و اگر با خود عقد دارای مدت شده است، بنابر احتیاط باطل است، والله العالم» (تبریزی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۴۴).

از نظر حقوقی با توجه به عبارتی که در ماده ۳۴۱ ق.م.به کار رفته است، حقوق دانان دیدگاه واحدی ندارند. این ماده مقرر می‌دارد: «بیع ممکن است مطلق باشد یا مشروط و نیز ممکن است برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع یا برای تأدیه تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود». عبارت «برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع یا برای تأدیه تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود» مبهم است؛ از این رو حقوق دانان در برداشت از این ماده اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند چون در عبارت یادشده حرف «یا» به کار رفته، قانون‌گذار در پی بیان این مقصود بوده که بیع کالی به کالی را باطل بداند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۶). برخی گفته‌اند: قانون مدنی نسبت به صحت یا بطلان بیع کالی به کالی ساکت است؛ ولی با توجه به اینکه در موارد ابهام یا سکوت باید به عرف و عادت مسلم در حقوق مراجعه کرد و عرف و عادت مسلم فقه امامیه می‌باشد، در حقوق مدنی نیز راهی جز بطلان این بیع نیست (شهیدی، ۱۳۸۴، ص ۳۸؛ حائری شاه‌باغ، ۱۳۷۶، ص ۳۳۴). در مقابل برخی معتقدند قانون مدنی بیع کالی به کالی را باطل ندانسته و از این ماده و ماده ۳۶۴ ق.م.نمی‌توان بطلان آن را استفاده کرد؛ زیرا با آنکه قانون‌گذار در مقام بیان بوده، این امر را مسکوت گذاشته و با توجه به اطلاق ماده ۱۰ ق.م.که تمامی قراردادهای (اگرچه از عقود معینه باشند) را شامل می‌شود، نمی‌توان عدم بیان ماده ۳۴۱ ق.م. را دلیل بر بطلان این بیع دانست. افزون بر آن استدلال مزبور شامل بیعی که ثمن و مثن، هر دو، عین خارجی یا مبیع، عین خارجی و ثمن، کلی و هر دو مؤجل باشند نیز می‌شود و باید آن را نیز باطل دانست و حال آنکه باطل نیست؛ زیرا آنها از اقسام بیع کالی به کالی به شمار نمی‌روند؛ مگر آنکه عرف و عادت مسلم آن را باطل بداند و چنانچه مسلم بودن چنین عرف و عادتی مورد تردید باشد یا عمل جامعه برخلاف آن محرز باشد، این بیع صحیح است (امامی، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۵). برخی دیگر از قائلان به صحت نیز با تعلیلی مشابه نوشته‌اند: «نویسندگان قانون مدنی بی گمان از شهرت بطلان چنین بیعی در فقه آگاه بوده‌اند و سکوت آنها در مقام بیان حکم، آن هم در کنار ماده ۱۰ و اصل صحت قراردادهای (ماده ۲۲۳) و شیاع چنین معاملاتی در عرف، نشانه آن است که نمی‌خواستند چنین عسرتی در داد و ستدهای بازرگانی به وجود آورند... از

متن مواد، به‌ویژه در پرتو دو اصل «صحت قراردادها» و «آزادی قراردادها» نفوذ بیع سلف با ثمن مؤجل استنباط می‌شود؛ بنابراین جایی برای ایجاد ابهام باقی نمی‌ماند تا مجوزی برای رجوع به منابع و فتاوی‌ای فقهی باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۲، صص ۲۰۶-۲۰۷؛ مدنی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۷۰).

۲. معامله دوم، سلم باشد و پیش از رسیدن وقت آن به دیگری فروخته شود، ولی ثمن به صورت نقد دریافت شود. ایراد این فرض تنها این است که پیش از فرارسیدن اجل، معامله دوم صورت گرفته و این، طبق دیدگاه مشهور فقیهان به تفصیلی که آورده شد، باطل است.

۳. معامله نخست، سلم باشد و پس از رسیدن وقت آن به دیگری فروخته شود، ولی ثمن به صورت نقد دریافت نشود. در این فرض که ثمن نقدی نیست، معامله با اشکال مواجه است و به جهت آنکه پس از حلول اجل می‌باشد، بدین لحاظ هم محذوری ندارد. با وجود این در فرضی که مبیع مکیل یا موزون باشد، پاره‌ای تفاوت دیدگاه وجود دارد. جمعی از فقیهان معتقدند اگر پس از سررسید تسلیم مبیع باشد، معامله اشکالی ندارد؛ خواه مبیع قبض شده باشد یا نه و خواه به فروشنده نخستین فروخته شود یا به شخص دیگری و خواه به جنس ثمن معامله اولی یا به غیرجنس ثمن آن و خواه به کمتر از ثمن معامله نخست باشد یا بیشتر از آن؛ بشرط اینکه مستلزم ربا نباشد (اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۷۱؛ امام خمینی رحمته‌الله، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۵؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۱). مطابق این دیدگاه، تفاوتی نمی‌کند که مبیع، مکیل یا موزون و یا چیز دیگر باشد؛ اما برخی فقیهان معتقدند اگر مبیع، مکیل و موزون باشد، در صورتی که قبض نشده باشد، بیع آن به صورت بیع مرابحه جایز نیست (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۱؛ مسئله ۲۵۰؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۷۲؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۶۵؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۰۵).

مشکل دیگر، صوری بودن این معاملات است که در برخی موارد واقعاً دوطرف معامله در پی معامله نیستند، بلکه صرفاً یک معامله صوری واقع می‌کنند، بدون آنکه قصد جدی معامله داشته باشند؛ یکی از شرایط تحقق معامله در فقه و قانون، قصد متعاقبین است؛ بنابراین عقد کسی که به شوخی الفاظ عقد را بر زبان جاری کند و یا

به اشتباه و یا از روی سهو بگوید منعقد نمی‌شود (اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۳۶؛ امام خمینی رحمته الله علیه، بی تا، ج ۱، ص ۵۰۸). شیخ انصاری در این خصوص می‌نویسد: یکی از شرایط متعاقدین آن است که قصد مدلول عقدی را که با الفاظ واقع می‌کند، داشته باشد و شرط بودن قصد در صحت عقد و بلکه در تحقق مفهوم آن از اموری است که در آن اختلاف نظر و تردید وجود ندارد؛ بنابراین اگر لفظی را به کار ببرد و اصلاً لفظ مزبور را قصد نکرده باشد، مانند شخصی است که لفظی را به اشتباه به کار ببرد و یا معنای آن را اراده نکرده باشد؛ مانند آنچه در امر صوری به وقوع می‌پیوندد و شبیه دروغ در خبر دادن است؛ مانند فردی که لفظی را به شوخی به کار ببرد، ولی معنای آن را قصد نکند، عقد محقق نمی‌شود؛ همچنان که اگر معنای مغایر با مدلول عقد را نیز اراده کند، معامله منعقد نمی‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۹۵). به تعبیر محقق خوئی شرط بودن قصد مدلول معامله مورد اتفاق فقیهان بوده و از اموری است که در متون فقهی امری مسلم انگاشته شده و اختلاف نظری نقل نشده و حتی علامه حلی آن را اجماعی اصحاب امامیه دانسته است (خوئی، بی تا، ج ۳، ص ۲۷۵).

لزوم داشتن قصد در معاملات به گونه‌ای است که به صورت یک قاعده در آمده است: «العقود تابعة للقصد» در توجیه پیدایش این قاعده گفته شده که اصل این است که هیچ‌یک از احکام شرعی مترتب نمی‌شود، مگر آنکه شارع آن را بیان دارد؛ برای مثال انتقال مال از بایع به مشتری و به عکس نیارمند ناقلی است که شرع مقدس ناقل بودن آن را پذیرفته باشد و از آنجا که اصل، عدم انتقال مال به دو طرف است، جز اینکه انشای نقل ثابت شود و این انشا نیز از افعال قلبی و تابع قصد است، تحقق عقد نیازمند وجود قصد است (قمی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۹۳۰؛ نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۹)؛ از این رو گفته‌اند: «العقود تابعة للقصد». مقصود از قصد انشا نیز قصد اثر مطلوب از عقد است؛ بنابراین اگر عقد نکاح را واقع سازد و اثر نقل و انتقال مالکیت را از آن اراده کند، اثری ندارد (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۰) و اینکه عقد تابع قصد است. به تعبیر یکی از فقیهان، شرط صحت عقد و بلکه شرط تحقق ماهیت آن است و بدون قصد، عقدی واقع نمی‌شود (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۹). یکی از فقیهان دلیل لزوم قصد را بنای عقلا دانسته، می‌نویسد: بنای تمامی

خردمندان بر این است که چیزی که فاقد قصد باشد، از اعتبار ساقط است و مقصود از قصد نیز قصد جدی استعمالی است. همان گونه که در میان همه جوامع انسانی به مقتضای فطرت امری پذیرفته شده محسوب می شود و همه کسانی که در نظام اجتماعی قرار دارند، بدون تفاوت بین عوام و خواص، به عنوان یک امر ارتكازی قبول کرده اند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۷۸). برخی فقیهان نیز گفته اند: این قاعده مورد اجماع فقیهان امامیه است (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۹؛ مراغی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۹)؛ بنابراین اگر قصد جدی نسبت به معامله واقع شده وجود نداشته باشد، به جهت فقدان قصد، باطل و معامله، صوری است؛ زیرا معامله منعقد به ظاهر بیع است، ولی قصد جدی نسبت به آن از دوطرف معامله یا یکی از آنها وجود ندارد. بند ۱ ماده ۱۹۰ ق.م نیز داشتن قصد متعاملین را از شرایط صحت معامله دانسته و ماده ۱۹۱ این قانون مقرر می دارد: «عقد محقق می شود به قصد انشاء، به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند». ماده ۱۹۴ همان قانون می گوید: «الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعاملین به وسیله آن انشای معامله می نمایند، باید موافق باشد؛ به نحوی که یکی از دوطرف همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر قصد انشای آن را داشته است و الا معامله باطل خواهد بود». ماده ۲۱۸ (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴) آن قانون نیز آورده است: «هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده، آن معامله باطل است». از مجموع مواد یادشده، بطلان عقد صوری استفاده می شود.

دیدگاه مراجع عظام تقلید در خصوص معاملات طلای کاغذی نیز در پاسخ به استفتای زیر آمده است:

چنانچه خریدار و فروشنده طلا با حجم زیاد اقدام به خرید و فروش می کنند، مثلاً با اخذ نرخ الان طلا یک کیلو طلای خاص (کلی فی الذمه) مورد بیع قرار می گیرد و تسلیم تعهد، منوط به مطالبه خریدار در آینده می گردد و یک رسید کاغذی برای خریدار مبنی بر طلب بیع کلی صادر می شود و مجدداً خریدار مذکور همان کاغذ حاوی تعهد بایع را به ثالث با یک مبلغی (کمتر یا بیشتر) مطابق نرخ عرف طلا در زمان انشای عقد دوم منعقد می نماید، آیا این نوع بیع صحیح است یا خیر؟ ۲. در صورت

صحیح نبودن عقد، آیا راهکار شرعی جهت صحت آن وجود دارد؟ (گنجینه استفتانات قضایی (نرم افزار)، سؤال ۸۹۹۷).

آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی): «اگر معاملات صوری باشد و بدون اینکه واقعاً طلا خرید و فروش شود، صرفاً از نوسانات قیمت طلا سودی حاصل شود، چنین معامله‌ای شرعاً صحیح نیست (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۳/۱۱). آیت الله العظمی سبحانی: «اگر پول پرداخت شود و طلا هم موجود نباشد، معامله نسیه به نسیه صورت گرفته و باطل است، و اما اگر پول پرداخت شود و موقع تحویل طلا به همان مقدار موجود باشد، در این صورت می‌تواند به دیگری بفروشد؛ اگر چه تحویل نگرفته باشد والله العالم (سبحانی، ۱۴۰۰/۳/۱۹). آیت الله العظمی شبیری زنجانی: «تابع این است که معامله صوری - یعنی بدون قصد جدی معامله - باشد یا خیر؟ در فرض صوری بودن باطل است (شبیری، ۱۴۰۰/۳/۱۳). آیت الله العظمی سیستانی: «در بیع کلی فی الذمه پرداخت همه ثمن شرط است و بدون آن بیع باطل است و فروش مکیل و موزون قبل از قبض به قیمت بیشتر به غیر باع جایز نیست، ولی به همان قیمت یا کمتر جایز است؛ ولی می‌تواند آن را به صورت مصالحه واگذار کند (سیستانی، ۱۴۰۰/۳/۲۹). آیت الله العظمی علوی گرگانی رحمته الله علیه: «در صورتی که زمان بازپرداخت طلا فرا رسیده باشد و بعداً بفروشد، صحیح است» (علوی گرگانی، ۱۴۰۰/۳/۲۹).

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در پاسخ به این سؤال که حکم خرید و فروش طلا به صورت شناور چیست (مثلاً امروز توافق می‌کنند یک ماه دیگر ۱۰۰ گرم طلا تحویل داده شود و وجه آن نیز در آن روز سه میلیون تومان محاسبه شود و در آن روز اگر طلا گران شد، فروشنده ضرر می‌کند و اگر ارزان شود، خریدار ضرر می‌کند)؟ آورده‌اند: «معامله‌ای که در آن، پرداخت پول به صورت نسیه بوده و فروشنده هم متعهد شده کالایی را که عین مشخصی نیست، در آینده تحویل دهد، معامله دین به دین بوده و از نظر شرعی صحیح نیست (یعنی هم پول و هم کالا نسیه است)» (پایگاه اطلاع‌رسانی: <https://www.leader.ir/fa/book/156?sn=22883>).

طبق نظر بیشتر مراجع عظام تقلید، اگر معاملات فردایی و کاغذی طلا و جواهر، در

قالب عقد بیع باشد، و جاهت شرعی ندارد (گنجینه استفتائات قضایی (نرم افزار)، سؤال ۸۹۸۶).
آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در پاسخ به استفتایی آورده‌اند: «چنین معامله‌ای نافذ نیست و شرعاً اعتبار ندارد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱/۸).

طبق ماده ۱۹۰ ق.م یکی از شرایط اساسی معامله، قصد واقعی دوطرف بر رد و انتقال مالکیت است و این قصد باید توسط دوطرف ابراز و توسط حاکم و دادگاه احراز شود. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۴۰۳-۷/۲۴/۱۰/۱۳۹۹ آورده است: «در معاملات موسوم به معاملات فردایی که به موجب آن ذی‌نفعان بازار طلا و جواهرات در پایان یک روز معاملاتی، در خصوص قیمت این فلزات با ارزش در روز آینده معامله می‌کنند و بر اساس پیش‌بینی‌هایی که از نرخ طلا و جواهر در روز آینده دارند، تعهدی بر عهده می‌گیرند و بر این اساس تحویل سود می‌کنند یا متحمل زیان می‌شوند؛ اولاً چنانچه دوطرف قصدی برای انجام بیع در موعد مقرر نداشته باشند و تعهدی در این زمینه بر عهده نگیرند و در واقع موضوع معامله، صرفاً مابه‌التفاوت قیمت روز فروش و روز موعد مقرر باشد، به لحاظ فقدان شرایط صحت معامله موضوع ماده ۱۹۰ قانون مدنی، باطل است؛ ثانیاً چنانچه معامله نسبت به مال پایه صورت گیرد و قصد دوطرف بر تحویل طلا و جواهر در آینده و یا تعهد آنان به بیع در آینده احراز شود، در صورت دارا بودن دیگر شرایط صحت معامله، واجد آثار حقوقی است. در هر صورت احراز قصد دوطرف و شرایط صحت معامله بر عهده مقام قضایی رسیدگی کننده است؛ ثالثاً در معامله قسم نخست، احراز وصف کیفی موضوع و انطباق رفتار ارتكبابی با قوانین جزایی حاکم، امری است که بر عهده مقام قضایی رسیدگی کننده است» (پایگاه اطلاع‌رسانی اداره حقوقی قوه قضاییه به نشانی:

<https://edarehoquqy.eadl.ir/moduleld/1286/controller/search/action/detail?ldeald=15505>).

پژوهشگران معتقدند این نوع معاملات، ساختار و تأسیس حقوقی جدیدی است که باید در چارچوب اصل آزادی و لزوم قراردادها در فقه اسلامی تحلیل شود و نمی‌توان آنها را در زمره عقود متعارف و سنتی مانند مرابحه، اجاره و... تحلیل کرد. در تمامی عقود جدید، لازم است چهار ضابطه عمومی قرارداد (ممنوعیت ربا، ضرر، غرر و قمار)

تأمین شود و به نظر می‌رسد در معاملات فردایی، ممنوعیت قمار و غرر نیازمند بررسی دقیق‌تر است و اصولی مانند ممنوعیت ربا چندان محل بحث نیست؛ از این رو در این معاملات دو چالش مهم وجود دارد:

۱. قمار بودن: دوطرف معامله بر روی یک امر کاملاً تصادفی در روز آینده معامله کرده و هریک باید در صورت خطا، تاوان مشخصی به طرف مقابل بپردازد. در اینجا فعالیت واقعی اقتصادی اتفاق نمی‌افتد و صرفاً بر روی متغیری تصادفی شرط‌بندی می‌شود.

۲. غرری بودن: با توجه به مبهم بودن عوض و معوض در این معامله، چالش غرر به صورت جدی قابل توجه بوده و به لحاظ فقهی، وجود ابهام در عوض و معوض، از عوامل اصلی ایجاد غرر است.

هشدارهای اتحادیه طلا و جواهر تهران به دلالت معاملات فردایی نیز حکایت از غیرقانونی بودن این معاملات دارد. این اتحادیه با اعلام اینکه معاملات فردایی و کاغذی غیرفیزیکی طلا و سکه غیرقانونی است، به دلالت این معاملات هشدار داده و آنان را از تجمع در خارج از واحدهای کسبی برحذر داشته است. افزون بر آن، طی هشدارهایی در قالب بنر در نقاط مختلف تهران، تصریح شده است که معامله گران طلای آب‌شده و سکه باید در محل واحدهای کسبی دارای جواز کسب معتبر از اتحادیه طلا و جواهر تهران داد و ستد کنند و در صورت معامله واحدهای کسبی با دلالت کاغذی و فردایی، پس از صدور اخطار، واحد کسبی آنها برای بار اول پلمب شده و در صورت تکرار، پروانه کسب به صورت دائم ابطال می‌شود؛ همچنین تأکید کرده است که سایت‌ها و کانال‌های اعلام نرخ قیمت طلا و سکه مجاز به اعلام قیمت فردایی یا کاغذی نبوده و در صورت مشاهده برخورد قانونی می‌شود.

با توجه به بررسی موضوع از جنبه کیفی، چنان‌چه دوطرف، قصدی برای انجام بیع در موعد مقرر نداشته و تعهدی در این زمینه به عهده نگینند و موضوع معامله صرفاً مابه‌التفاوت قیمت روز فروش و روز موعد مقرر باشد، معامله به لحاظ فقدان شرایط صحت (ماده ۱۹۰ ق.م) باطل است و در صورت بطلان، مبادرت به آن، افزون بر

ضمانت اجرای مدنی (عدم نفوذ و مشروعیت معامله)، اکل مال به باطل و داراشدن بلاجهت بوده و اگر با مانورهای متقلبانه همراه باشد، مشمول ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشای اختلاس و کلاهبرداری است. در ضمن طبق ماده ۱۳ مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی‌ها مصوب ۱۳۹۵/۸/۱۲ بانک مرکزی، انجام‌دادن هرگونه معاملات فردایی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع است و به استناد ماده ۱۵ این قانون، متخلفان از این مقررات به استناد قانون پولی و بانکی کشور، قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی، قانون اخلال در نظام اقتصادی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. براساس ویرایش جدید قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز معاملات فردایی ارز، غیرقانونی و در حکم قاچاق است. طبق ماده ۱۲ این قانون، معامله ارز در صرافی یا غیر آنکه تحویل ارز و مابه‌ازای آن به روز یا روزهای آینده موکول شده، ولی به تحویل ارز منجر نمی‌شود یا از ابتدا قصد تحویل ارز وجود نداشته و قصد دوطرف، تسویه تفاوت قیمت ارز باشد، جزو مصادیق قاچاق ارز بوده و مرتکب به پرداخت نقدی مبلغ معامله به ازای ریالی آن محکوم می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱. معامله فردایی در قالب معامله کالی به کالی باطل است و افزون بر ناسازگاری با مصالح عمومی کشور، ملازم با عدم رعایت قوانین کشور اسلامی و تحصیل مال نامشروع است؛ مگر اینکه در قالب عقد صلح واقع شود و دوطرف به‌واقع قصد مصالحه داشته باشند، وگرنه تغییر اسم معامله، موجب تغییر ماهیت آن نیست.
۲. به استناد مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی‌ها، انجام معاملات فردایی ارز توسط اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع بوده و متخلفان تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و چنان‌چه دوطرف قصد انجام‌دادن بیع در موعد مقرر نداشته و تعهدی در این زمینه بر عهده نگیرند و موضوع معامله، صرفاً مابه‌التفاوت قیمت روز فروش و روز موعد مقرر باشد، به لحاظ فقدان شرایط صحت معامله، باطل بوده و افزون بر جنبه ضمانت اجرایی، اکل مال به باطل و داراشدن بلاجهت بوده و اگر با مانورهای متقلبانه همراه

باشد، مشمول ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری است. بر اساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز این معاملات، غیرقانونی و در حکم قاچاق است.

۳. معاملات کاغذی طلا که نقدی بوده و فروشنده مثلاً مقداری طلای کلی را به خریدار به صورت حال بفروشد و مشتری ثمن را به بایع دهد و پرداخت مثن نیز نقد بوده و مطالبه آن منوط به درخواست مشتری باشد، صحیح است. معامله سلف که ثمن به صورت نقد و مبیع در زمان دیگری و به صورت مدت دار تسلیم گردد، چنانچه تاریخ تسلیم مبیع معلوم باشد، ولی تسلیم آن مشروط به مطالبه و درخواست خریدار باشد، نیز فاقد ایراد فقهی و قانونی است. معامله سلفی که تاریخ تسلیم معلوم نبوده و همان زمان مطالبه از سوی خریدار باشد، به جهت مجهول بودن مدت تسلیم معامله باطل است. فروش معامله انجام شده از سوی خریدار اول به دیگری نیز دارای فرض‌های زیر است:

الف) معامله سلم باشد و پیش از رسیدن وقت آن به دیگری فروخته شود و ثمن نیز نقداً دریافت نشود، از سه جهت اشکال دارد: فرا نرسیدن زمان تحویل؛ قبض نشدن ثمن در مجلس عقد؛ کالی به کالی بودن معامله.

ب) معامله سلم باشد و پیش از رسیدن وقت آن به دیگری فروخته شود، ولی ثمن نقداً دریافت شود. تنها ایراد این است که پیش از فرارسیدن اجل، معامله دوم صورت گرفته که طبق دیدگاه مشهور فقیهان باطل است.

ج) معامله سلم باشد و پس از رسیدن وقت آن به دیگری فروخته شود، ولی ثمن نقداً دریافت نشود؛ چون ثمن نقدی نیست، معامله با اشکال مواجه است و چون پس از حلول اجل می‌باشد، محذوری ندارد، ولی باید به گونه‌ای باشد که مستلزم ربا نباشد. به برخی اختلاف نظرها نیز در متن نوشتار اشاره شد.

یادآور می‌شود صحیح بودن معامله در فرضی است که قصد واقعی و جدی برای انعقاد معامله وجود داشته باشد، و گرنه چنانچه صوری بوده و دوطرف معامله، قصد جدی نداشته باشند، باطل خواهد بود.

پیشنهادات

با توجه به اینکه دو راهکار کوتاه‌مدت (تعهد بیع در آینده) و بلندمدت (تشکیل بازار رسمی معاملات) برای جایگزینی با معاملات فردایی در چارچوب شرعی، قابلیت اجرایی کردن دارد، نکته قابل تأکید در این معاملات، افزون بر شرعی بودن، اتخاذ تدابیری جهت جلوگیری از انجام صوری این معاملات است؛ همچنین لازم است در آیین‌نامه‌ها و دستورعمل‌های اجرایی، مواردی لحاظ شود تا ضمانت اجرای قطعی معاملات و قدرت بر تسلیم مورد معامله فراهم شود و به نظر می‌رسد بهترین راهکار، انجام دادن صلح کالی به کالی است تا بتوان مسیر را برای مشروعیت بخشی به این نوع معاملات هموار کرد.

فهرست منابع

✽ قرآن کریم.

۱. اسدی حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه). (۱۴۱۰ق). ارشاد الازدهان (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. اسدی حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه). (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. اسدی حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه). (۱۴۲۰ق). تحریر الأحكام (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴. اصفهانی، سید ابوالحسن. (۱۴۲۲ق). وسیلة النجاة (مع حواشی الإمام الخمينی) (چاپ اول). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار.
۵. امام خمینی علیه السلام. (بی تا). تحریر الوسیلة (ج ۱، چاپ اول). قم: دارالعلم.
۶. امامی، سید حسن. (بی تا). حقوق مدنی (ج ۱). اسلامیه. تهران: بی جا. بی تا.
۷. انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب المحرمه (ج ۳، چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۸. بحرانی، یوسف. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة (ج ۲۰، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. پایگاه اطلاع رسانی اداره حقوقی قوه قضاییه:
<https://edarehoququy.eadl.ir/moduleId/1286/controller/search/action/detail?IdEadl=15505>
۱۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری:
<https://www.leader.ir/fa/book/156?sn=22883>
۱۱. تبریزی، میرزا جواد. (۱۴۲۶ق). منهاج الصالحین (ج ۲، چاپ اول). قم: مجمع الامام المهدي علیه السلام.
۱۲. تبریزی، میرزا جواد. (۱۳۷۸). استفتانات جدید (ج ۱، چاپ اول). قم: سرور.

۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۹). مجموعه محشی قانون مدنی (چاپ اول). تهران: گنج دانش.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت (چاپ اول). تهران: گنج دانش.
۱۵. حائری شاه‌باغ، سیدعلی. (۱۳۷۶). شرح قانون مدنی (چاپ اول). تهران: گنج دانش.
۱۶. حلبی، ابن زهره. (۱۴۱۷ق). غنیة النزوع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۷. حلبی، ابوالصلاح. (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه (چاپ اول). اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۸. حلّی، جعفر بن حسن (محقق). (۱۴۰۸ق). شرائع الاسلام (ج ۱، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۹. حلّی، جعفر بن حسن (محقق). (۱۴۱۸ق). المختصر النافع (ج ۱، چاپ ششم). قم: مؤسسه المطبوعات الدینة.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۲۴ق). اجوبة الاستفتائات (فارسی) (چاپ اول). قم: دفتر حضرت آیت الله خامنه‌ای.
۲۱. خویی، سیدابوالقاسم. (بی تا). مصباح الفقاهة. بی جا، بی نا.
۲۲. خویی، سیدابوالقاسم. (بی تا). محاضرات (ج ۳). قم: انصاریان.
۲۳. خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین (ج ۲، چاپ بیست و هشتم). قم: مدينة العلم.
۲۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه (ج ۱، چاپ دوم از دوره جدید). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. سبزواری، سیدعبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحکام (ج ۱۶، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.
۲۶. سرآبادانی، غلامرضا. (۱۳۹۷). نظام مالی اسلامی و ریسک معاملات (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

۲۷. سیوری، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۴ق). التفتیح الرائع (ج ۲، چاپ اول). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۲۸. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۴). حقوق مدنی (عقود معین ۱) (چاپ سوم). تهران: مجد.
۲۹. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۱۷ق). جامع الاحکام (ج ۱، چاپ چهارم). قم: مؤسسه حضرت معصومه علیها السلام.
۳۰. طباطبایی، سیدعلی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ج ۹، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۱. طباطبایی حکیم، سیدمحمدسعید. (۱۴۱۵ق). منهاج الصالحین (ج ۲، چاپ اول). بیروت: دارالصفوة.
۳۲. طرابلسی، ابن بزاج. (۱۴۰۶ق). المذهب (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف (ج ۳، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط (ج ۲، چاپ سوم). تهران: لمکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). النهایة (چاپ دوم). بیروت: دار الكتاب العربی.
۳۶. فیاض، محمداسحاق. (بی تا). منهاج الصالحین (ج ۲). بی جا، بی نا.
۳۷. قمی، میرزا ابوالقاسم. (۱۴۲۷ق). رسائل (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). قواعد عمومی قراردادها (ج ۲، چاپ اول). تهران: شرکت انتشار.
۳۹. گنجینه استفتائات قضایی (نرم افزار). قم: مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه.
۴۰. مدنی، سیدجلال الدین. (۱۳۸۵). حقوق مدنی (ج ۴، چاپ اول). تهران: پایدار.
۴۱. مراغی، سیدمیر عبدالفتاح. (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه (ج ۲، چاپ اول). قم: انتشارات اسلامی.
۴۲. مرعشی نجفی، سیدشهاب الدین. (۱۴۰۶ق). منهاج المؤمنین (ج ۲، چاپ اول). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۴۳. معصومی نیا، غلامعلی. (۱۳۸۷). ابزارهای مشتقه (چاپ دوم). قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۴. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهرالکلام (ج ۲۴ و ۲۵، چاپ هفتم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۵. نراقی، مولی احمد. (۱۴۱۷ق). عوائدالایام (چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۶. وحید خراسانی، حسین. (۱۴۲۸ق). منهاج الصالحین (ج ۳، چاپ پنجم). قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.

References

* Holy Quran

1. Ansari, S. M. (1415 AH). *Kitab al-Makasib al-Muharramah* (1st ed., Vol. 3). Qom: World Congress in Commemoration of Sheikh Azam Ansari. [In Arabic]
2. Asadi Helli, H. (1410 AH). *Irshad al-Adhhan* (1st ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
3. Asadi Helli, H. (1413 AH). *Qawa'id al-Ahkam* (1st ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
4. Asadi Helli, H. (1420 AH). *Taḥrīr al-Ahkam* (1st ed., Vol. 2). Qom: Imam Sadiq. [In Arabic]
5. Bahrani, Y. (1405 AH). *Al-Hada'iq al-Nadhirah* (1st ed., Vol. 20). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
6. Dekhoda, A. A. (1377 AP). *Dictionary*. (2nd ed., Vol. 1). Tehran: Tehran University Publications. [In Persian]
7. Fayyaz, M. I. (n.d.). *Minhaj al-Salihin* (Vol. 2). n.p. [In Arabic]
8. Ganjineh Estefat'at-e Qazai (Software). Qom: Judicial Research Center of the Judiciary. [In Persian]
9. Ha'iri Shahbagh, S. A. (1376 AP). *Explanation of Civil Law* (1st ed.). Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
10. Halabi, A. S. (1403 AH). *Al-Kafi fi al-Fiqh* (1st ed.). Isfahan: Public Library of Imam Ali. [In Arabic]
11. Halabi, I. Z. (1417 AH). *Ghuniyat al-Nuzu'* (1st ed.). Qom: Imam Sadiq. [In Arabic]
12. Helli, J. (1418 AH). *Al-Mukhtasar al-Nafi'* (6th ed., Vol. 1). Qom: Religious Publications Institute. [In Arabic]
13. Helli, J. (1408 AH). *Sharai' al-Islam* (2nd ed., Vol. 1). Qom: Ismailiyan. [In Arabic]
14. Imami, S. H. (n.d.). *Civil rights*. (Vol. 1). Islamiyah. Tehran: n.p. [In Persian]
15. Isfahani, S. A. (1422 AH). *Wasilat al-Najah (with annotations by Imam Khomeini)* (1st ed.). Qom: Institution for Organization and Publication of Works. [In Arabic]

16. Jafari Langroudi, M. J. (1379 AP). *Collection of Commentaries on Civil Law*. (1st ed.). Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
17. Jafari Langroudi, M. J. (1388 AP). *Encyclopedia of Civil and Commercial Law* (1st ed.). Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
18. Katuzian, N. (1388 AP). *General Principles of Contracts* (1st ed., Vol. 2). Tehran: Publication Company. [In Persian]
19. Khamenei, S. A. (1424 AH). *Ajwibat al-Istifta'at* (1st ed.). Qom: Office of Ayatollah Khamenei. [In Arabic]
20. Khoei, S. A. (1410 AH). *Minhaj al-Salihin* (28th ed., Vol. 2). Qom: Madinat al-Ilm. [In Arabic]
21. Khoei, S. A. (n.d.). *Lectures* (Vol. 3). Qom: Ansarian. [In Arabic]
22. Khoei, S. A. (n.d.). *Masbah al-Fiqh*. n.p. [In Arabic]
23. Khomeini, A. R. (n.d.). *Taḥrīr al-Wasilah* (1st ed., Vol. 1.). Qom: Dar al-Ilm. [In Arabic]
24. Madani, S. J. (1385 AP). *Civil Law* (1st ed., Vol. 4). Tehran: Paydar. [In Persian]
25. Maraghi, S. M. (1417 AH). *Al-Anawin al-Fiqhiyyah* (1st ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publications. [In Arabic]
26. Marashi Najafi, S. Sh. (1406 AH). *Minhaj al-Mu'minin* (1st ed., Vol. 2). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
27. Masoumi Nia, Gh. (1387 AP). *Derivative Instruments* (2nd ed.). Qom: Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
28. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam* (7th ed., Vols. 24 & 42). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
29. Naraghi, M. A. (1417 AH). *'Awa'id al-Ayyam* (1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
30. Qomi, M. A. Gh. (1427 AH). *Rasail* (1st ed., Vol. 2). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
31. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Mahzab al-Ahkam* (4th ed., Vol. 16). Qom: Al-Menar. [In Arabic]

32. Safi Golpaygani, L. (1417 AH). *Jame' al-Ahkam* (4th ed., Vol. 1). Qom: Hazrat Masoumeh. [In Arabic]
33. Sarabadani, Gh. (1397 AP). *Islamic Financial System and Transaction Risks* (1st ed.). Qom: Imamate Ahl al-Bayt Seminary. [In Persian]
34. Shahidi, M. (1384 AP). *Civil Law (Specific Contracts 1)* (3rd ed.). Tehran: Moj. [In Persian]
35. Sivari, M. I. A. (1404 AH). *Al-Tanqih al-Ra'i* (1st ed., Vol. 1). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
36. Tabatabai Hakim, S. M. (1415 AH). *Minhaj al-Salihin* (1st ed., Vol. 2). Beirut: Dar al-Safa. [In Arabic]
37. Tabatabai, S. A. (1418 AH). *Riyad al-Masa'il* (1st ed., Vol. 9). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
38. Tabrizi, M. J. (1378 AP). *New Fatwas* (1st ed., Vol. 1). Qom: Sarvar. [In Arabic]
39. Tabrizi, M. J. (1426 AH). *Minhaj al-Salihin* (1st ed., Vol. 2). Qom: Majma al-Imam al-Mahdi. [In Arabic]
40. Tarabalsi, I. B. (1406 AH). *Al-Muhadhdhab* (1st ed., Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
41. Tusi, M. (1387 AH). *Al-Mabsut* (3rd ed., Vol. 2). Tehran: Library of Al-Murtadawiyyah for the Revival of Ja'fari Works. [In Arabic]
42. Tusi, M. (1400 AH). *Al-Nihayah* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
43. Tusi, M. (1407 AH). *Al-Khilaf* (1st ed., Vol. 3). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
44. Vahid Khorasani, H. (1428 AH). *Minhaj al-Sahilin* (5th ed., Vol. 3). Qom: Imam Baqir School. [In Arabic]
45. Judicial Power Legal Affairs Administration Information Portal:
<https://edarehoquqy.eadl.ir/moduleld/1286/controller/search/action/detail?ldald=15505>
46. Office of the Supreme Leader's Information Portal:
<https://www.leader.ir/fa/book/156?sn=22883>